# شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام و المسلمین استاد

**محمدجواد حاج علی اکبری**

موضوع

## حق قربانی (۷)

تاریخ ۱۳/ ۱۰/ ۱۳۹۴

# فهرست


- یادی از شهید حجاز
- تکلف، دنیا و آخرت را نابود می‌کند
- زندگی، بدون تکلف شیرین می‌شود
- رجوع به سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، راه درمان تکلف
- مروری بر مباحث پیشین

۱. حق الله

۲. حق النفس

۲,۱. حق زبان

۲,۲. حق گوش

۲,۳. حق چشم

۲,٤. حق پا

۲,٥. حق دست

۲,٦. حق شکم

۲,۷. حق شهوت

۳. حق افعال

۳,۱. حق نماز

۳,۲. حق روزه

۳,۳. حق صدقه

۳,٤. حق حج

۳,٥. حق قربانی

بسم الله الرحمن الرحیم
و له الحمد

## یادی از شهید حجاز

مناسب است در آغاز جلسه امشب عرض ارادتی به شیخ مظلوم شهید در عربستان بکنیم که نشانه جدیدی از سفاکی رژیم بی‌کفایت و ظالم و ستمگر سعودی است.

بر فهرست مجموعه ظلم‌ها و جنایت‌ها و بی‌کفایتی‌ها و بی‌سیاستی‌هایش، باید این واقعه اخیر را هم افزود که این شیخ مؤمن مظلوم و شهید، به تعبیر رهبر عزیز و عالی‌قدرمان، شیخ نمر باقر النمر را به شهادت رساندند و دل دوستداران اهل بیت را غمگین کردند. مسلمانان آزاده جهان از شنیدن این خبر متأثر شدند و همان‌طور که در تعابیر رهبری عزیز و عالی‌قدرمان بیان شد، دست انتقام الهی به‌زودی دامنشان را خواهد گرفت و به سزای جنایاتشان خواهد رساند.

به نظر می‌رسد که نمادها و نشانه‌های سقوط رژیم سعودی مشخص شده و از جهات مشروعیت و مقبولیت در حال خشک شدن است و حرفی برای گفتن ندارند و برای حفظ خودشان رفتارهایی از قبیل حذف رقیب یا خوبان یا مخالفین را در دستور کار قرار می‌دهند.

به هر حال امیدواریم خداوند تبارک و تعالی انتقام خون این شیخ شهید و عالی‌قدر و همه‌ی مظلومین را که در فجایع گوناگون، چه در یمن چه در بحرین به وسیله این رژیم در حال زجر و شهادت هستند، ان‌شاءالله بگیرد. خداوند تبارک و تعالی را به حق اولیائش قسم می‌دهیم که این بزرگوار و همه‌ی شهدای راه خود را از جانب همه‌ی ما پاداش خیر کرامت کند و بر درجاتشان

بیفزاید.

## تکلف، دنیا و آخرت را نابود می‌کند

درباره آخرین صحبتمان که موضوع تکلف بود، خلاصه سخن این شد که تکلیف بر اساس خرد و شرع، چیزی است که وظیفه و واجب است و باید آن را انجام دهیم؛ از قبیل واجبات عقلی، مثل غذا خوردن و استراحت کردن و داشتن شغل و فعالیت و جریان عادی زندگی، مانند ازدواج و امثال اینها. بخشی هم داریم که تکالیف شرعی هستند؛ مثل نماز و روزه و حج و زکات امر به معروف.

ما به اعتبار مقام انسانی خود، فهرستی از این تکالیف را داریم که امور شرعی و خدایی هستند و خداوند متعال گرچه تکالیفی برای ما مشخص کرده، ولی آنها را در آسانی و «یسر» برای ما قرار داده و اساساً خدای متعال و مهربان برای ما دشواری و سختی نخواسته است.

اگر کسی همین فرایند انجام تکالیف عقلی و شرعی را با دست خودش برای خودش دشوار کند، یعنی به آنها بایدها و نبایدهایی از خودش اضافه کند، اینها می‌شود تکلف؛ یعنی مشقت‌های اضافی و نابخردانه و غیراصولی.

این در جاهایی بود که ما تکلیف داریم. اگر در جاهایی که تکلیف نداریم، یعنی بخش وسیعی که «منطقه الفراغ» نام دارد که خداوند تبارک و تعالی در اختیار خودمان گذاشته است، آنجا هم انسان برای خودش یک‌سری بایدها و نبایدها و واجبات و محرّمات غیرشرعی و غیرعقلی درست کند، این نیز تکلف می‌شود که در اینجا وارد مثال‌هایی شدیم که فهرستش را در بخش‌های مختلف زندگی عرض کردیم و ریشه‌ها و آثار بسیار خطرناک آن را برشمردیم. آرزو کردیم که یک حرکت

جمعی همه ما داشته باشیم برای بر طرف کردن این زیادی‌های مزاحم در زندگی که روابط و اخلاق را خراب می‌کند و به زندگی‌ها آسیب می‌زند و انسان را وارد چرخه‌ای از گناهان و معصیت‌های بزرگ و کوچک می‌کند.

این پیامی بود که ما از امام سجاد (علیه السلام) ذیل حق قربانی دریافت کردیم.

## زندگی، بدون تکلف شیرین می‌شود

در سبْک زندگی دینی و در اقتدا به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، یک روان بدون تکلف و تحمیل‌های غیر منطقی به خویشتن و دیگران و یک زندگی روان و شیرین و باطراوت نهفته است که در آن، تکلیف‌گرایی و تکلف‌گریزی و تکلف‌ستیزی وجود دارد. آدم باید با تکلف‌ها مبارزه کند تا ان‌شاءالله زندگی‌اش شیرین باشد و دیگران از بودن با او احساس خوبی داشته باشند.

یک پدر یا مادر متکلف فرزندشان را به رنج و زحمت می‌اندازند و فضای داخل خانه را پرتنش می‌سازند.

در برگزاری یک میهمانی وقتی شما وارد فضای تکلف می‌شوید و یک سلسله شرایط سخت برای خودتان ایجاد می‌کنید، یا اساساً نمی‌توانید آن را برگزار بکنید یا اگر برگزار کردید، برای خودتان تلخ و پرآسیب خواهد بود و دیگران را نیز به رنج خواهید افکند. همین مسئله ازدواج را که باید یک امر شیرین و الهی باشد، به یک امر شیطانی و تلخ تبدیل می‌کند. لباس و جهیزیه و مهریه آن‌چنانی و در مورد داماد، شغل آن‌چنانی، ازدواج را تلخ و ناگوار می‌کند. تکلفاتی این‌چنین، جامعه ما را مبتلا ساخته است. تکلف دوستی را کم و دشمنی‌ها را زیاد می‌کند و حسادت‌هایی را برمی‌انگیزد و عوارض

خطرناکی دارد که به هوشیاری جمعی و تصمیم‌های جدی نیاز دارد؛ چون خیلی وقت‌ها تکلف‌ها محصول فشارهای اجتماعی است. وقتی گفتمان تبرج، تجمل‌گرایی و رفتن سراغ زرق و برق‌های اضافی در جامعه راه می‌افتد، خودبه‌خود عده‌ای را با خودش می‌برد. بعد هم به طرف می‌گوییم چرا این کار را می‌کنی؟ می‌گوید اگر من این کار را نکنم، آبرویم در خطر است یا شأن من آسیب می‌بیند.

فشارهای اجتماعی و انحرافی که در فرهنگ عمومی پیش آمده، یکی از علت‌های ابتلای جامعه به تکلف است.

## رجوع به سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، راه درمان تکلف

اصلاح جامعه در این زمینه، به تصمیم جمعی نیاز دارد؛ یعنی همه به اتفاق هم تصمیم بگیرند. البته هر کسی باید در این زمینه به تکلیف خود عمل کند؛ منتها وقتی موج تکلف‌زدایی در زندگی ما راه بیفتد، بر اساس سیره پیامبر عظیم الشأن (صلی الله علیه و آله) کار ما را خیلی آسان می‌کند.

پیامبر عزیزمان در لباس پوشیدن، غذا خوردن، نشست و برخاست، دوستی‌ها، رفتارهای داخل خانه و رفتارهای مدیریتی‌شان، یکی از شاخص‌های برجسته دوری از تکلف بودند. حضرت هر جا وارد می‌شدند، هر جا که جا بود، آنجا می‌نشستند. اینکه حتماً من فلان جای جلسه با کیفیت خاص بنشینم، اصلاً در دستور کار حضرت نبود.

در این بخش آنقدر سهل گرفته بودند که کسی از بیرون می‌آمد، اصلاً حضرت را نمی‌شناخت. اصحاب خواهش کردند که: شما روی این سکوی خاص بنشینید که اگر کسی از بیرون آمد، شما را بشناسد. حضرت پذیرفتند.

یا در سبک غذا خوردن اینکه واجب کنند بر اهل بیتشان و خانواده که فلان نوع غذا باشد، این‌طور نبود. در روایت آمده است هر چیزی که می‌آوردند منزل حضرت مواجهه بسیار خوبی داشتند و با اشتها با آن غذا روبرو می‌شدند. این‌طور نبود که ایراد بگیرند دستور بدهند یا اهل خانه را به زحمت بیندازند. در کارهای خانه کمک می‌کردند. حالا چون من شخص اول عالم خلقت هستم یا شخص اول عالم اسلامم و تشریفات درست کنم، اصلاً صحبت این حرف‌ها نبود. در جلسه‌ای که با اصحاب می‌نشستند، خیلی شیرین و صمیمی و راحت بودند. با دوستان و اصحابشان می‌گفتند و با آنها می‌خندیدند. این‌طور نبود که برای خودشان خط‌کشی خاصی یا حریم‌گذاری‌های عجیب غریبی درست بکنند؛ جز در جاهایی که وظایف الهی و تکلیف خدایی بود.

حضرت در فضای زندگی‌شان، شخصیت فوق‌العاده شیرین، جذاب، نرم، منعطف در معاشرت، دوستی‌ها و خانواده بودند. مرتب دستور بدهد باید این‌طور باشد یا این‌طور نباشد دائم بخواهد به این و آن سخت بگیرد و دستور بدهد؛ نه اصلاً این چیزها را مشاهده نمی‌کنید. قرآن نیز می‌فرماید: «وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ؛[۱] و من از متکلفین نیستم». پیامبر فرمودند من و همه‌ی خوبان امت از آدم‌های متکلف اعلام برائت می‌کنیم. امیدواریم خداوند متعال چنین زندگی باطراوت و شیرینی را روزی‌مان کند.

تکلف هر جا که وارد شده، مانع خیر است. هر کس باید خودش را بررسی کند، بعد خانواده و محیط کارش را نگاه کند و سعی کند با روش و عمل تکلف‌های موجود را

برطرف سازد.

## مروری بر مباحث پیشین

به نظرم این مقطع، خوب است نگاهی به مسیر طی‌شده بیندازیم. مناسب است مراجعه‌ای به فصول قبلی داشته باشیم. ما تا اینجا سه فصل را مباحثه کرده‌ایم و اکنون در آغاز فصل چهارم از رساله حقوق هستیم. البته این کلمه فصل را ما داریم اینجوری می گوییم یعنی در ترتیب رساله کلمه فصل نیست؛ ولی ما از لحاظ تنظیم درسی می‌توانیم این طوری مسئله را تعریف کنیم.

رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) در بر گیرنده خطوط اصلی سبْک زندگی اسلامی است و فشرده و جمع‌بندی آیات قرآن کریم و سیره پیامبر و اولیاء خدا در موضوعات مطرح‌شده از منظر حقوق امام سجاد (علیه السلام) است.

ابتدا حضرت یک فهرست کامل را ارائه فرمودند؛ بعد شروع کردند یکی‌یکی درباره آنها صحبت کردن که در ادامه آنها را بررسی می‌کنیم.

## ۱. حق الله

حق اولی که مطرح شد «حق الله» بود. این در واقع همان فصل اول است. جالب اینکه این فصل اول خیلی کوتاه هست و مجموعاً سه خط بیشتر نیست، ولی سه خطی که مادر و پایه و اساس همه‌ی حقوق دیگر است و روی همه حقوق در بخش‌های مختلف سایه می‌اندازد. حضرت فرمودند حق خداوند این است که او را بپرستید و به او شرک نورزی و شریک برایش نیاوری. اگر کسی بتواند بندگی خالصانه‌ای به درگاه خداوند متعال داشته باشد، خداوند بر خودش فرض کرده که امر دنیا و آخرت او را کفایت کند. این شد حق الله. امام (علیه السلام) فرمودند

سایر حقوق از این حق ناشی می‌شوند و این اصل همه حقوق است و سایر حقوق چه در بخش‌های شخصی و چه در بخش‌های اجتماعی، همه به این حق برمی‌گردند. حضرت به ما یادآوری می‌کنند که همه حقوق حق الله هستند؛ اگرچه حق الناس باشند یا حق شما بر خویشتن باشد. حق اعضا و جوارح باشد، همه‌اش حق خدا است؛ چون همه مالکیتش برای خدا است و در حوزه فرمانروایی حضرت حق قرار دارد. آفریننده و ولیّ او است.

## ۲. حق النفس

فصل دوم «حق نفس» است که فرموده‌اند: «حق النفسک علیک؛ حق هرکسی بر خودش». اینجا فرموده‌اند حقی که نفس، جان و وجود شما بر شما دارد این است که تمام امکاناتی که در نفس شما هست، چه ظاهری و چه باطنی، همه این امکانات را در مسیر طاعت خدای متعال قرار بدهید. این هم حق نفس شما است. اگر این انجام شد، حق نفس ما ادا شده است. و الّا اینجا ما حق خودمان را زیر پا گذاشته‌ایم.

از اینجا امام (علیه السلام) یک بیان بسیار زیبایی را آغاز می‌کنند و آن اینکه نفس انسان برداشت و ارائه‌اش به وسیله هفت سبب انجام می‌گیرد که به آنها اعضا و جوارح گفته می‌شود. یعنی چه دریافت‌هایش و چه پرداخت‌هایش و چه واردات و چه صادراتش، مجموعه‌ای از اتفاقاتی که در رابطه با ما رخ می‌دهد، به وسیله اعضا و جوارح ما رقم می‌خورد. به این ترتیب امام (علیه السلام) حق النفس را در هفت عنوان رهگیری می‌کنند و توضیح می‌دهند و از زبان هم شروع می‌کنند. فرمودند حق نفس این است که نفست را به

طاعت خدای متعال بیاوری؛ بنابراین باید حق زبان و گوش و چشم و دست و پا را ادا کنی.

## ۲,۱. حق زبان

جالب است که زبان اولین حق در حق النفس است. با این مقدمه امام (علیه السلام) شروع می‌کنند به تفصیل راجع‌به هر کدام از اعضا و جوارح، حق آنها را توضیح می‌دهند؛ با واژه‌هایی کوتاه، ولی مضامینی عالی و وفق العاده دقیق و سازنده. در مورد زبان یا «حق اللسان» فرمودند حق زبان تو بر تو این است که او را گرامی تر از این بدانی که کلمات نامناسب و دشنام و امثال این‌ها را به زبان بیاوری. زبانت را به خیر عادت بده، ادبش کن و فقط به اندازه نیاز صحبت کن. از زیاده‌گویی‌ها بپرهیز و یادت باشد که زبان تو نشانه خرد و شخصیت تو است. بنابراین با زبانت به عنوان نماد و نشانه شخصیت و زینت مواجه شو. بعد فرمودند: «لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم» این یک یادآوری هست که کار آسان نیست. باید از خداوند متعال نیرو بگیری تا بتوانی حق نفست را در محور زبان ادا کنی.

## ۲,۲. حق گوش

دوم حق گوش است: «حَقّ السّمْع» که بیشتر ما حق شنیدن معنی می‌کردیم. حضرت فرمودند حقش این است که تنها و تنها و تنها این گوشت را کنار صدا و زبانی قرار دهی که کرامت و بزرگواری و به تعبیری، شخصیت تو را حفظ کند. یعنی این‌طور نباشد که این ظرفیت ممتاز را در اختیار هر سخن و صدایی قرار دهی. فقط در مسیری قرار دهی که از طریق آن خیری در مسیر شخصیت تو حاصل شود و نتیجه‌اش این باشد که در تو اخلاق کریمانه‌ای شکل بگیرد.

اینجا حضرت فرمودند یادت باشد که این دروازه قلب تو است؛ حالا ببین این در را به روی چه کسی باز می‌کنی. باز هم گفتند: «وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ».

### ۲,۳. حق چشم

حق سوم، «حق البصر» است. فرمودند حق چشم تو این است که از هر چیزی که دیدن آن برای تو حلال نیست، چشم بپوشانی و گرامی بداری چشمت را مگر در دیدن آنجایی که عبرتی برای تو در پی داشته باشد یا بصیرت و آگاهی برای تو به ارمغان آورد. اینجا حضرت فرمودند: «فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الِاعْتِبَارِ» یعنی اساساً راه آموختن و تجربه و امثال این‌ها، دیدن است.

### ۲,٤. حق پا

در مورد پا حضرت فرمودند به هیچ وجه با این دو پا جایی نروی که خدای متعال نمی‌پسندد و برای تو حلال نکرده است. بلکه با این پا دائماً رفت و آمد کنی به جایی که راه دین و خیر و سعادت تو است. معلوم شد پاهای ما که ما را حمل می‌کنند، بر عهده ما حق دارد و حق آنها این است که جز به راه طاعت نروید و جز در مسیر طاعت قدم برندارید.

### ۲,۵. حق دست

پنجم «حَقّ يَدِكَ» حق دست تو. عمده خدمات ما توسط دست برای ما امکان‌پذیر می‌شود و چقدر خوب خداوند متعال این دو دست را خلق کرده است. بعد فرمود حق دست‌های تو این است که مراقب باشی دست شما به حرام آلوده نشود و به آنچه خدای متعال نمی‌پسندد گشوده نشود. سعی کنید دست‌تان به خیر و برکت و محبت و فراهم کردن ثواب گشوده باشد.

### ۲,۶. حق شکم

آنگاه امام (علیه السلام) حق شکم را مطرح نمودند: «وَ أَمّا حَقّ بَطْنِک». در اینجا بحث بسیار مهم و مفصلی مطرح شد؛ بحث تغذیه حلال و سالم و نقشی که در سعادت دنیا و آخرت و نسل ما دارد. اینجا حضرت روی مسئله حلال‌خواری تأکید فوق‌العاده داشتند و روی اندازه نگه داشتن تأکید خاصی می‌فرمودند. در مورد حلال هم فرمودند که انسان بهره خودش را از انواع و اقسام نوشیدنی‌ها به اندازه‌ای قرار دهد که او را به سلامت بدارد و توشه و توان او را جهت طاعت الهی تأمین کند. راجع‌به شکم‌بارگی و زیاده‌خواری تذکرات جدی در روایات داریم.

### ۲,۷. حق شهوت

حق بعدی حق شهوت بود که این بحث هم باز به مناسبت حساسیت فوق‌العاده که داشت، به لحاظ تربیتی و اجتماعی و مخصوصاً در شرایط روزگار ما، مفصل به آن پرداختیم. اینجا هم امام (علیه السلام) فرمودند: حق غریزه شما این است که آن را از آنچه خداوند متعال نمی‌پسندد، حفظ کنید. نکته کلیدی این بود که حضرت فرمودند اگر بخواهید بهداشت و سلامت غریزه جنسی رعایت شود و درست در همان مسیر صحیح خودش استفاده شود، بزرگ‌ترین کمک به شما چشم‌پوشی است. یعنی اگر کسی مراعات کند و چشمش را از دیدن صحنه‌های حرام و تحریک‌کننده حفظ کند، خیلی کمک می‌کند به شما که بتوانید بهداشت و سلامت غریزه را حفظ کنید.

نکته بعدی هم فراوان یاد مرگ کردن بود که باعث می‌شود انسان بتواند غریزه جنسی مدیریت کند را که

غریزه بسیار جدی و سنگینی محسوب می‌شود. در اینجا موضوع ازدواج به‌هنگام را در تعیین سلامت بهداشت غریزه مطرح کردیم.

پس مملکت نفس ما دارای هفت اقلیم می‌باشد که همین هفت اعضا و جوارح هستند که خدای متعال در اختیار ما گذاشته و هر کدام را باید طبق قواعد الهی و بر اساس طاعت و بندگی، اداره کنیم تا خوشبختی ما تأمین شود.

## ۳. حق افعال

از اینجا به فصل سوم «حق افعال» وارد می‌شویم. در حق افعال با عناوین بسیار جذابی مواجه شدیم که امام (علیه السلام) اینها را انتخاب کردند و در فهرست حقوق قرار دادند. این موارد از افعال به خاطر اینکه جنبه خدایی و تکلیفی در زندگی ما دارد، بر عهده ما حق دارند. از این منظر تا حالا به این موضوع نگاه نکرده بودیم. حضرت این باب را برای ما باز کردند و با نماز شروع کردند. نماز، روزه، صدقه، حج و قربانی که قربانی در ضمن حج به صورت برجسته مطرح شده است.

## ۳,۱. حق نماز

در بخش حق نماز، فرمودند حق نماز این است که بدانی نماز میهمانی خداوند تبارک و تعالی می‌باشد و تو در نماز در پیشگاه حضرت حق قرار می‌گیری. اگر همین مسئله را درک و باور کنی، رعایت تمام آداب ظاهری و باطنی مربوط به نماز، برای تو امکان‌پذیر می‌شود؛ یعنی قلبت پر از خوف و رجا می‌شود و سیمای شخصیت حالت فروتنی و تواضع پیدا می‌کند. فقط کافی است باور کنیم که نماز، رفتن به حضور حضرت حق است.

### ۳,۲. حق روزه

اما حق روزه این است که روزه ما باکیفیت باشد. بدانیم که خداوند متعال روزه را حجابی بین ما و آتش قرار داده تا اعضا و جوارح ما را از مبتلا شدن به گناه حفظ کند. سپس حضرت (علیه السلام) روی روزه واقعی تأکید کردند؛ یعنی علاوه بر اینکه زبان ما روزه است، از خوردن و آشامیدن مراقبت می‌شود، باید زبان، چشم، گوش و همه اعضا، از مبتلا شدن به انواع و اقسام گناهان حفاظت شوند.

### ۳,۳. حق صدقه

درباره حق صدقه، امام (علیه السلام) فرمودند گنج و پس‌انداز شما نزد خدای متعال است. آن چیزی که صدقه می‌دهید، به امانت می‌گذارید تا آن وقتی که به آن نیازمندید.

در این زمینه هم بیانات بسیار زیبایی راجع‌به صدقه آشکار و پنهانی داشتیم. صدقه‌ای که بیشتر مطلوب امام (علیه السلام) بود، صدقه پنهانی است که در کمال صدق با حفظ شخصیت طرف مقابل، در راه خدای متعال داده می‌شود. صدقه یک معنای خاص دارد و یک معنای عام. از پیامبر نقل کردیم که: «کل معروف الصدقه» یعنی یک صدقه خاص داریم که عمدتاً صدقه مالی است که درباره‌اش مفصل صحبت شد. یک صدقه عام هم داریم که هر خوبی و معروفی را شامل می‌شود.

### ۳,۴. حق حج

حج از جمله افعالی است که باید حقش ادا گردد. حق حج این است که بدانی حج، رفتن به ضیافت و میهمانی خدای متعالی و فرار از گناهان خویشتن به دامن لطف حق تعالی است. ضمناً زمینه‌ای برای قبول توبه شما و انجام

واجبی است که حضرت حق برعهده شما قرار داده است.

## ۳٫۵. حق قربانی

بخش پایانی در حقوق افعال، حق قربانی است. جالب است که با اینکه قربانی بخشی از حج است، ولی جداگانه مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است. اینجا هم حضرت عمدتاً بحثشان این بود که اینجا جای اراده خالص است. یعنی به وسیله قربانی که به ساحت مقدس پروردگار متعال پیشکش می‌کنی، خودت را در معرض رحمت الهی قرار می‌دهی.

قربانی در حج واجب است، اما به طور عمومی امر مستحبی است که باعث حفظ و برکت است. اینجا امام سجاد (علیه السلام) با کلمه «وعلم» وارد یک مطلب تازه‌ای شدند و ذیل عنوان عمومی قربانی فرمودند اگر با اخلاص وارد این عرصه شوید و نخواهید چشم مردم را بخرید و خودت را نمایش بدهی، گرفتار تکلف نخواهی شد.

اینجا که رسیدند، فرمودند «وعلم» با این کلمه از دو مسئله پرده‌برداری کردند. نکته اول اینکه رسیدن به خدای متعال و مسیر بندگی آسان و روان است و خدای متعال آسانی را برای بندگانش خواسته است. نکته دوم اینکه خدای متعال تکلف و تصنع را برای شما نمی‌پسندد و این اخلاق ریاست‌طلبان و کسانی است که می‌خواهند خود را به دیگران غالب کنند. چیزی که با خلقت شما هماهنگ است، خاکساری و فروتنی است. به این ترتیب حقوق افعال تمام می‌شود.

بنابراین فصل اول شد: «حق الله» که مادر همه حقوق است. فصل دوم شد: «حق النفس» با زیرمجموعه‌اش که هفت عضو اصلی است. پس از آن «حقوق افعال» مطرح شد که شامل

نماز و روزه و صدقه و حج و قربانی می‌شود.

از اینجا به بعد وارد فصل جدیدی می‌شویم که عنوانش «حق الناس» است. فقط این نکته را یادآوری کنم که این عنوان، با حق پیشوایان آغاز می شود.

■■■■■■

## منابع و مآخذ

[۱] . ص: ٨٦.

**شنبه ها ساعت ۱۸**

بازپخش دوشنبه ها، ساعت ۱۲

از شبکه قرآن و معارف سیما/برنامه یاد خدا